

آشنایی با معماری اسلامی ایران

«ساختمانهای درون شهری و برون شهری»

تألیف: استاد محمد کریم پیرنیا

تدوین: غلامحسین معماریان

پرنیا، محمد کریم، ۱۳۰۱-۱۳۷۶

آشنایی با معماری اسلامی ایران "ساختمانهای درون شهری و برون شهری" / تألیف
محمد کریم پرنیا، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: سروش دانش، ۱۳۸۲.
۳۹۱ ص.

ISBN 964-96113-7-1 : ۳۹۰۰۰ ریال

چاپ قبلی: دانشگاه علم و صنعت ایران، مرکز انتشارات، ۱۳۷۸.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. ۳۸۹- [۳۹۱].

۱. معماری اسلامی - ایران، ۲. معماری - ایران، الف. معماریان، غلامحسین، ۱۳۳۹- ب.

عنوان.

۷۲۰/۵۵

NA۱۲۸۰/ب۹۴۵

۱۳۸۲

۱۷۲۲۹-۸۴م

کتابخانه ملی ایران

سروش دانش

نام کتاب	:	آشنایی با معماری اسلامی ایران "ساختمانهای درون شهری و برون شهری"
تألیف	:	دکتر محمد پرنیا
تدوین	:	دکتر غلامحسین معماریان
ناشر	:	سروش دانش
چاپ نهم	:	۱۳۸۲ (چاپ اول سروش دانش)
تیراژ	:	۳۰۰۰ نسخه
چاپ	:	سعدی
صحافی	:	امیرکبیر
قیمت	:	۳۹۰۰۰ ریال
شابک	:	۹۶۴-۹۶۱۱۳-۷-۱
ISBN	:	964-96113-7-1

مرکز پخش: کتاب آیین

تهران: خیابان انقلاب - خیابان اردیبهشت - پلاک ۱۸۲ تلفن: ۶۶۴۶۶۹۰۰

تهران: خیابان انقلاب - خیابان لبافی نژاد - (مابین دانشگاه و خورازی) پلاک ۱۳۸ طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۷۳۰۳

استاد محترم جناب آقای مهندس پیرنیا

با عرض سلام

با تشکر از اینکه افتخار تدوین کتاب آشنایی با معماری اسلامی ایران، «ساختمانهای درون شهری و بیرون شهری» را به اینجانب عنایت فرمودید و با توجه به اینکه اجازه چاپ این کتاب از طرف ناشر گرفته شده است خواهشمند است نظراتان را در مورد تدوین و چاپ آن توسط اینجانب اعلام فرمائید.

با تشکر

غلامحسین معماریان

۷۰/۱۱/۲۸

سلام روزگار
هوا بهمان درخت نرسیده است و خورشید بهمان
در درخت نرسیده است و آفتاب بهمان
که هیچ گرد آفرینی و قوری نرسیده است و درخت نرسیده است
پس در این کارگاه اگر آن را نرسیده است و درخت نرسیده است
پس در این کارگاه اگر آن را نرسیده است و درخت نرسیده است
پس در این کارگاه اگر آن را نرسیده است و درخت نرسیده است

توضیح چند نکته

با حمد و سپاس خداوند متان که توفیق تدوین و گردآوری کتابی دیگر از استاد گرامی را به اینجانب عنایت فرمود و با تشکر از ایشان که افتخار تهیه این کار بزرگ را به این شاگرد خود اعطاء نمودند. لازم دیدم قبل از مطالعه کتاب نظر عزیزان خواننده را به چند نکته جلب نمایم:

— این کتاب، همچون کتاب شیوه‌های معماری ایرانی، مجموعه‌ای از مقالات، درسها و سخنرانیهای استاد می‌باشد.

— در چند بخش کتاب و از جمله بخش خانه، حمام، آب‌انبار، مدرسه و باغ کلاً از درسها و مصاحبه‌های ایشان استفاده شده است. چند عنوان دیگر مثل پادیاو، بادگیر و خیشخان ... کاملاً از مقالات و مبحث بازار، ترکیبی از درسها و مقالات ایشان است.

— به فرموده استاد بخشهایی از متن که از درسهای ایشان اخذ شده است بصورت عامیانه تدوین شده است.

— مطالب نقل شده از دیگر منابع، با علامت نقل قول آورده شده و در پاورقی‌ها نیز نام مراجع آنها ذکر شده است.

— نقشه‌ها و عکسهای برگرفته از سایر منابع با ذکر نام آنها آورده شده است.

— در انتهای کتاب فهرستی از برخی آثار استاد محترم با توجه به تسلسل زمانی آنها آورده شده است.

— متأسفانه با وجود علاقه زیادی که برای چاپ تعدادی از نقشه‌های خوب دانشجویانم در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در این کتاب داشتم، بدلیل رعایت بعضی مسائل از این کار خودداری نمودم.

در اینجا شایسته است از ریاست محترم دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران جناب آقای مهندس مصطفی نورالدین که با مطالعه دقیق متن نظرات بسیار ارزشمندی در جهت تصحیح و تدوین بهتر کتاب ارائه نمودند تشکر نمایم.

در تدوین این نوشته عزیزانی چند مرا یاری کردند که ضمن تشکر، نام ایشان آورده

می شود :

— استاد گرامی جناب آقای مهندس جذبی بخاطر ارائه دست نویسهایی درباره

موضوع ؛

— مسئولین محترم معاونت پژوهشی دانشگاه علم و صنعت ایران ؛

— مسئول و کارکنان انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران ؛

— برادر عزیز جناب آقای امیرحسین زند خوشنویس کتاب ؛

— و دانشجویانی که از نقشه های آنها در این کتاب استفاده شده است .

با تشکر غلامحسین معماریان

مهر ماه ۱۳۷۰

پیوست پنجم

فهرست

۱	مقدمه
۲۳	بخش اول: بناهای تاریخی در حکم بخشی از شناسنامه فرهنگی است
۳۷	بخش دوم: مسجد
۹۱	بخش سوم: مدرسه
۱۱۹	بخش چهارم: بازار
۱۵۳	بخش پنجم: خانه
۱۹۷	بخش ششم: حمام
۲۱۳	بخش هفتم: آب انبار
۲۲۹	بخش هشتم: رباط — ساباط — خان — کاروانسرا
۲۶۳	بخش نهم: میلها و مناره‌های راهنما
۲۸۵	بخش دهم: باغ
۳۱۵	پیوست نخست: مردم‌واری در معماری ایرانی
۳۱۹	پیوست دوم: پادیاو
۳۳۱	پیوست سوم: بادگیر و خیشخان
۳۴۷	پیوست چهارم: در و پنجره در معماری ایران
۳۷۱	پیوست پنجم: شرایط اقلیمی کویر و مسایل مربوط به بناهای خشتی
۳۷۵	واژه‌نامه
۳۸۷	فهرست منابع

مقدمه

با توجه به اینکه در ادامه دربارهٔ ساختمانهای درون شهری و برون شهری مطالبی را خواهیم آورد جای دارد که هرچند بصورت مختصر، مطالبی دربارهٔ شهر گفته شود. اصولاً در گذشته، در انتخاب محل ساخت هر شهر به نکاتی توجه می کردند از جمله واقع بودن بین شاهراهها و مسیرها، اعتبار بازرگانی داشتن، مرکزیت داشتن نسبت به کل منطقه، سیل گیر نبودن، سخت بودن زمین آن، ضد زلزله بودن و چندین عامل دیگر. بطور مثال در زمان الحایتو او بدون در نظر گرفتن این مسائل سلطانیه را می سازد و هرچند مسیر شاهراهها را نیز عوض می کند ولی بعد از مدتی شهر متروک شده و از بین می رود، و یا در مورد جنس زمین بطور مثال در ساخت محله شارستان یزد می بینیم که تا عمق دو متری از خاک رس و از آن به بعد زمینی بنام چلو یا یرشک است. این زمین بسیار سخت بوده و بر روی آن ساختمان را بنا می کرده اند و از خاک رس حاصله جهت بنای آن استفاده می شده است، سپس مبادرت به ساخت زیرزمین کرده و فضاها را مورد نیاز را شکل می داده اند.

در ادامه در مورد انتخاب جهت یا رون در بحث مربوط به خانه ها مطالبی را خواهیم آورد ولی چون مسأله در مورد انتخاب جهت شهر است مختصری از آن را در اینجا می آوریم. در گذشته با در نظر گرفتن آب و هوا، طرز تابش خورشید و جهت وزش باد (باد مطبوع، طوفان، گردباد و...) جهتی را برای شهر در نظر می گرفته اند. معماران ایرانی برای این کار از شکل شش ضلعی استفاده کرده، در کل سه رون در نظر می گرفته اند: رون راسته، رون اصفهانی و رون کرمانی.

رون راسته جهت شمال غربی - جنوب شرقی دارد و شامل شهرهای تبریز تهران، یزد و... می شده است که جهت آن تقریباً مواجه قبله است.

رون اصفهانی جهت شمال غربی - جنوب شرقی دارد و در اصفهان، استخر، تخت جمشید و... بکار گرفته شده است.

رون کرمانی جهت غربی شرقی دارد و شهرهای کرمان، همدان، آبادیه‌های آذربایجان غربی و... با این رون ساخته شده‌اند (مراجعه شود به مبحث خانه). در بعضی از مناطق با در نظر نگرفتن این مسأله اشکالات مهمی در وضع شهر بوجود آمده است.

قبل از اسلام تقریباً تمامی شهرها را به شکل کلات ساخته (قلعه و برج و بارو) و در آنها شدیداً مسأله نظام طبقاتی رعایت می شده است. این طبقات اجتماعی پیشتر سه طبقه بوده که بعدها به چهار طبقه تبدیل شده است و شامل ارتشداران، موبدان، استریوشان و صنعتگران بوده است. اینها هر کدام در شهر جای خود را داشته و نمی توانستند به محله های دیگر بروند.

کهنذر یا کهنذر به معنی دژ قدیمی، (دژ یعنی ساختمان) قلعه مهم شهر بوده است. کهنذر گاهی در درون شهر و گاهی اوقات بیرون باروی شهر و معمولاً در کوی ارگ بوده است (ارگ یعنی محله فرمانروایی). محافظ آنجا ارگ بُد بوده و برای خودش خندق و بارو داشته است (مثل ارگ تهران).

هسته مرکزی شهر شارستان یا شهرستان بوده است و معمولاً از کنار دروازه مهم آن بازار شروع می شده و به مرکز شهر می رسیده است. این نمونه را بخوبی در ری باستان مشاهده می کنیم.

بیرون شارستان را پُروست و بعدها رتض می گفتند.

پس از اسلام در توسعه شهر ترجیح داده می شد که بناهای جدید را در بیرون شارستان بسازند. در صدر اسلام در برخی شهرها با بستن دیوار قبلی آتشکده، آنرا تبدیل به مسجد می کردند، اما بعدها بدلیل ازدیاد جمعیت مسجد جامع را در بیرون شهر می ساختند. به همین دلیل می بینیم که مسجد جامع ناین در محله کِلوان است (کل = دروازه) یا مثلاً تاریخانه دامغان در نزدیکی جاده بازرگانی ساخته شده است. شهرها در ایران معمولاً دو شکل خاص داشته اند:

۱- شهرهای شطرنجی یا پیکازی که در آن کوچه ها خطوط عمود بر هم هستند و همدیگر را قطع می کنند. نمونه آن در تعداد زیادی از قلعه های روستایی مشاهده می شود.

۲- شهرهای تَنَسِیْه اِبی یا تار عنکبوتی که مثل دایره ای است که در مرکز آن بناهای اصلی

مانند آتشکده، ساختمان حکومتی و غیره قرار می گرفته است. نمونه شهرهای پیچازی در نقشه های قدیمی بعضی شهرها مثل محله شهرستان یزد که در حال حاضر محله های یوزداران و قهادان است دیده می شود. کلات این شهر در مرکز آن بوده و به شارستان معروف بوده است.

شهر فیروزآباد فارس نمونه ای از شهر تنسته ای است (شهر گور) نه چهار دروازه، استخر، بزرگترین مهر، آناهید وارد شیر خوره را داشته است. در مرکز آن کاخی قرار داشته و جلوی آن حوضی بوده است. اطراف ارگ، اختصاص به چهار طبقه ذکر شده داشته است.

شهرهای مرو و بغداد و تعدادی دیگر از شهرها نیز به این صورت بوده اند. در محله های کوهستانی بدلیل ناهمواریهای موجود، شکل شهرها تابع شیب زمین بوده است. نمونه های آن ماسوله و ابیان می باشند. آرسن شهر شامل، محله، بازار، میدان، کوچه، خیابان و بناهای عمومی مثل مساجد، مدارس و غیره می شده است.

محله

همانطور که گفته شد پیش از اسلام شهرها بر پایه نظام طبقاتی تقسیم بندی می شدند. بعد از ظهور اسلام این مسأله منتفی شد و محله ها بنابر اشتراکات موجود شکل می گرفتند. مثلاً بر اساس هم شهری بودن، مثل محله شیرازها و محله بهبهانیها، و یا بر اساس فعالیت های مشترک، مثل محله شعر بافها و محله حصیر بافها.

محله یا کوی، یک شهرک کوچک در دل شهر بوده و برای خودش بازارچه، مسجد، مدرسه و دیگر چیزهای مورد نیاز را داشته است.

بازارچه در این اواخر معمولاً شامل نانوائی، قصابی، عطاری و میوه فروشی بوده و برای خریدهای دیگر به بازار بزرگ می رفته اند.

اگر شغل غالب مردم محله یکی بود کارگاهی نیز در آنجا داشتند مثل محله شعر بافهای یزد که کارگاههای رنگرزی داشته است. محله ها بوسیله کوچه هایی به آرسن بازار یا دل شهر وصل می شده است.

خیابان - کوچه - گذر

به تازگی چنین گمان شده است که خیابان پدیده‌ای نو و تازه است که از باختر زمین آمده است و حال آنکه بزرگترین و طولانی‌ترین خیابانها از روزگار باستان ویژه ایران بوده، بجز خیابانهای چهارباغ اصفهان، زند شیراز، خیابان روبروی سر در شهربانی قزوین، خیابانی که مهمانسرای کاشان (محل فعلی پست و تلگراف) را به باغشاه فین و میدان بزرگ چوگان در پیش سر در باغ می‌پیوسته و از روزگار پیش از اسلام در کتابهای مسالک آمده است. بخصوص خیابانهای شهر باستانی ری که در ربض شهر و در پیش دروازه‌ها کشیده بود و چون خیابانهای کنونی دکانهای بسیاری در دو سو داشته و رودخانه و سیلابکندهای شهر از میان آن می‌گذشته و بلوارهای وسیع و مجللی را تشکیل می‌داده است.

کوچه یا کوی، رگهای شهر، و راههای باریکی است که خانه‌ها را به هم وصل می‌کند. گذر معمولاً به صورت سه کوچه بوده است. در قدیم سعی می‌شده که در مسیرها تقاطع ایجاد نکنند و معمولاً آنرا سه کوچه می‌کرده‌اند. سر سه کوچه واژگانه گذاشته و معمولاً چند درخت در آن می‌کاشتند. هر محله ممکن بود چند گذر داشته باشد که بعضی وقتها محل واژگانه آن بصورت حسینیّه در آمده است.

ساباط کوچه‌ای سرپوشیده است. ساباط هم در شهرهای گرمسیری و هم در شهرهای سردسیری بوده است. در شهرهای گرمسیری مجبور بوده‌اند کوچه را تنگ و دیوار را بلند بگیرند و برای ایجاد سایه ساباط می‌گذاشتند.

در دزفول بدلیل اینکه نمی‌توان با درخت (بدلیل ایجاد شرجی) سایه ایجاد کرد، ساباط زیاد دارد. در راههای کویری چون آبادی نبوده قسمتی از راه را می‌پوشاندند تا قافله در آنجا استراحت کنند. این محله‌ها را نیز ساباط می‌گفتند و شامل چند طاقنما و یک آب انبار بوده است.

در مسیرهای اصلی غالب شهرها، بازار قرار داشته است.

ارسن بازار

محل بازار در ابتدا در کنار دروازه اصلی شهر قرار داشته و سرپوشیده هم نبوده

است و مثل خیابان معمولاً در امتداد جاده تجارتي بوده همانند بازار تهران که از دروازه شاه عبدالعظیم تا دروازه قزوین امتداد داشت و در اول شهر تبدیل به راسته بازار بزرگ می شد. در بازار خرید و فروش های اصلی و در بازارچه ها خرید و فروش های روزمره اهالی انجام می گرفته است. بازار عناصر مختلفی مثل راسته، رسته، دالان، سرا یا خان، خانبار و تیم یا تیمچه داشته است که در مبحث بازار به شرح کامل آنها خواهیم پرداخت. در کنار بازار مساجد، مدارس و ابنیه مختلف دیگر قرار می گرفته اند.

میدان

میدان همان کلمه میان است و معرب آن میدان است و به معنی دل شهر و فضایی باز برای اجتماع مردم همراه با بازار اطراف آن بوده است. بعدها این عنصر چند نوع شده است:

۱- میدان بزرگ شهر که در دل شهر بوده و ابنیه مختلف مثل بازار، حمام و مدرسه در کنار آن قرار می گرفتند.

۲- میدانهای بنام گرد که میدانهای کوچک پراکنده بوده و کالاهای مختلف، از آنجا پخش می شده اند. مثل میدان تره بار، میدان کاهوفروشان و...

میدان نقش جهان و میدان گنجعلی خان از نمونه های خوب میادین موجود (رجوع شود به مبحث بازار).

مسجد

هر شهری یک مسجد جامع و هر محله نیز چند مسجد داشته است. اگر بزرگی شهر ایجاب می کرده، مسجدی نوین برای شهر جدید می ساختند مثل مسجد امیر چخماق یزد که در بیرون باروی شهر بوده است. در ارتباط با مسائل مختلف مسجد و طرز قرارگیری آن در شهر نسبت به کوچه ها و ابنیه اطراف آن در بخش مسجد مفصلاً مطالبی آورده شده است.

بناهای عمومی دیگر: در ارتباط با هر کدام در ادامه صحبت خواهد شد.
خانه: در ادامه در ارتباط با آن صحبت خواهد شد.